

گرایش تفسیر مدیریتی قرآن

محسن علیجانی*

عضو هیأت علمی موسسه آموزش عالی ارشاد دماوند

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی، تبیین و چگونگی تفسیر مدیریتی قرآن کریم صورت گرفته است. تفسیر مدیریت قرآن نوعی تفسیر علمی است که ساز و کار مناسب خود را دارد و از مبانی، ضوابط، ابزارها، منابع و موانع عام و خاصی پیروی می‌کند. این پژوهش از روش تلفیقی بهره برده و با رویکردی اعتدالی و منصفانه به موضوع نگریسته و در پایان روشن ساخته که تفسیر مدیریتی قرآن کریم امکان پذیر، جایز و لازم است؛ اما باید همچون سایر تفاسیر، روشمند و ضابطه‌مند باشد.

واژه‌های اصلی: قرآن، مدیریت، تفسیر، گرایش، تفسیر مدیریتی.

طرح مسئله

یکی از مسائل مهم عصر حاضر، شناخت دیدگاه اسلام پیرامون مدیریت و مسائل مربوط به آن است. برای شناخت دیدگاه اسلام پیش از هر منبعی باید به سراغ قرآن کریم رفت، چرا که قرآن اصلی‌ترین و اصیل‌ترین منبع اسلام است. اهمیت موضوع آن گاه بیشتر خود را نمایان می‌سازد که بدانیم برخی از طرفداران مدیریت علمی، به طور کلی منکر مدیریت اسلامی‌اند و بر این باورند که اسلام مطلبی در خصوص مدیریت ندارد و مدیریت دانشی جدید و بیگانه با اسلام است. ما ضمن رد این دیدگاه، چگونگی برداشت صحیح مدیریتی از آیات قرآن کریم را بررسی می‌کنیم و با ذکر مثال‌هایی، روزه‌ای به روی خوانندگان می‌گشاییم.

مفهوم‌شناسی

تفسیر در لغت: تفسیر مصدر از باب تفعیل و از ریشه فسر به معنای بیان کردن، جدا کردن، توضیح دادن، آشکار ساختن امر پوشیده، اظهار معنای معقول، بیان معنای سخن و نظایر این معانی است. بر این اساس برخی تفسیر را مبالغه فسر دانسته‌اند و برخی معانی‌ای چون: کشف مراد از لفظ مشکل، کشف معنای لفظ و اظهار آن، ایضاح معنای لفظ، شرح قصه‌های مجمل قرآن، پیدا کردن و واگردن خبر پوشیده، شرح دادن مطلب پنهان، آشکار کردن جنبه‌های پنهان، شرح کردن کلام خدا، کشف کردن ظاهر قرآن، بیان نمودن معنای سخن و بیان و تشریح معنا و لفظ آیات قرآن را ذکر کرده‌اند (ر.ک. به: بابایی، علی‌اکبر، روش‌شناسی تفسیر قرآن، 6 - 5).

تفسیر در اصطلاح: تعاریف زیادی از تفسیر اصطلاحی به عمل آمده است. شاید بهترین تعریف این باشد که تفسیر عبارت است از: بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره.

در این تعریف به مفاد استعمالی آیات، مراد واقعی و جدی خداوند از آیات و مبنای تفسیر اشاره و از آوردن قیود اضافه خودداری شده است (ر.ک. به: همان، 23؛ رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن 2، ص 23).

مدیریت در لغت: مدیریت مصدر جعلی، به معنای اداره کردن، چرخاندن، به جریان انداختن و رساندن است؛ اما با توجه به واژه انگلیسی آن - Administer - به معنای خدمت کردن است، یعنی خدمتی که شخصی برای شخص دیگر ارائه می‌کند. در حدیث است که «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمُ»؛ «رئیس گروه خدمتگذار آنهاست» (باقر الموسوی، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه امام علی 7، ص 33).

مدیریت در اصطلاح: برای مدیریت به عنوان یک دانش، تعاریف متعددی صورت گرفته و گفته شده است که تقریباً به تعداد مؤلفان و نویسندگان کتب مدیریتی، تعریف مدیریت وجود دارد؛ لکن وجه مشترک همه تعاریف این است که مدیریت «هنر یا علم اداره یک مجموعه، جهت نیل به هدف‌های سازمانی است» (نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، 31 و 32؛ مشبکی، مدیریت رفتار سازمانی، ص 51 تا 55؛ سوزان سی. اشنايدر و ژان لویی بارسور، مدیریت در پهنه فرهنگ‌ها، 47).

مدیریت اسلامی: مدیریت علمی که تعریفش گذشت برای دنیایی مفید است که پیشرفت، کار و تولید بیشتر و مسائلی از این قبیل - با نگاه سکولاریستی - برای آنها از هر چیز مهم‌تر باشد و انسان‌ها را - در اشکال مختلف مدیریت - فقط بدین منظور در اختیار بگیرند و رهبری کنند، ولی مدیریت در اسلام را این گونه باید تعریف کرد: «هنر و علم اداره یک مجموعه با به کارگیری صحیح افراد و امکانات برای رسیدن به اهداف سازمانی؛ به نحوی که با موازین شرع مغایرت نداشته باشد».

در مدیریت اسلامی رعایت قوانین شرع مقدس از مهم‌ترین مسائل است و باید با حساسیت بسیار دنبال شود. اسلام برای اداره جامعه برنامه دارد؛ منتهی نه برنامه کاپیتالیستی و سرمایه‌داری غربی و نه برنامه کمونیستی و کارگری شرقی؛ برنامه‌ای که هدف آن ارتقای رشد انسان‌ها در مسیر مستقیم و الهی خویش است (نبوی، محمد حسن، همان، 32).

تعریف‌های دیگری نیز برای مدیریت اسلامی شده است، از جمله این که: مدیریت اسلامی اداره جامعه است؛ به گونه‌ای که عزت اسلامی مسلمانان محقق شود. از نظر اینان مدیریت کشورهایی نظیر هند و چین اسلامی است. برخی نیز گفته‌اند مدیریت اسلامی ارائه نظریات خاص و روش‌های علمی ویژه اسلام برای حل مشکلات اجتماعی است (مصباح یزدی، محمد تقی، مشکات 1، پیش نیازهای مدیریت اسلامی، 6/2، بخش آخر).

برخی نیز گفته‌اند مدیریت اسلامی یعنی مدیریت مدیران مسلمانان، یعنی این دانش به بررسی توصیفی نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ می‌پردازد؛ اما همان طور که در تعریف اصلی آوردیم، مدیریت اسلامی، یعنی مدیریتی که تحت تأثیر ارزش‌های اسلامی است. وقتی ارزش‌های اسلامی بر مدیریت تأثیر عمیق بگذارد، آن مدیریت، اسلامی است. مدیری که عمیقاً به ارزش‌های اسلامی پای‌بند است؛ اسلامی است نه مدیریتی که بر ارزش‌های غربی مبتنی است. تمام شاخه‌های مختلف مدیریت (بازرگانی، صنعتی، کشاورزی، دولتی، اقتصادی، فرهنگی و ...) می‌تواند تحت حاکمیت ارزش‌های اسلامی باشد. با این باور، دیدگاه کسانی که به طور کلی منکر مدیریت اسلامی‌اند و می‌گویند «علوم از قبیل مدیریت، روانشناسی، جامعه‌شناسی و حتی اقتصاد، اسلامی و غیر اسلامی ندارد و این تعابیر ساخته عالمان متعصب مذهبی است که در پی

سوء استفاده از مذهب و اعتقاد مردم هستند»، پذیرفته نمی‌شود (ر.ک. به: مصباح یزدی، همان، بخش آخر).

تاریخچه: تفسیر علمی به طور عام و تفسیر مدیریت قرآن به طور خاص سابقه چندانی ندارد و می‌توان گفت که این نوع تفسیر به سده اخیر مربوط است و حتی خود واژه مدیریت در اصطلاح علمی و اسلامی پیشینه چندانی ندارد، چرا که در اسلام واژه‌ای که مسلمانان و عرب‌ها برای مدیریت به کار برده‌اند، واژه «تدبیر» است. این واژه در مهم‌ترین منابع اندیشه مدیریتی و سیاسی مسلمانان مانند الاحکام السلطانیة ماوردی به معنای مدیریت آمده است (ر.ک. به: باقر الموسوی، محسن، 33).

دانشمندان دیگر اسلامی نظیر ابویعلی فراء، ابن خلدون در مقدمه، ابن سینا در تدابیر المنازل او السياسات الاهلیه همین واژه تدبیر را به جای مدیریت به کار برده‌اند (همان، 35).

این واژه نزد فیلسوفان و حکیمان مسلمان نیز رایج بوده است. برای مثال فارابی واژه تدبیر را در معنی مدیریت به کار برده است (همان).

بر این اساس واژه مدیریت سابقه چندانی ندارد، ولی بحث تدبیر و موضوعات مربوط به آن سابقه زیادی در اسلام دارد، تا آنجا که ماوردی کتابی مستقل در باب سیاست و مدیریت در قرن پنجم هجری تألیف کرده است. با این نگاه مدیریت اسلامی و شرح و بسط آن به صورت پراکنده به زمان شخص پیامبر باز می‌گردد، زیرا لفظ تدبیر و واژگان مرتبط با آن همچون امرة (فرماندهی و حکمرانی) قدرة (چیرگی بر نیروهای تحت فرمان) سیاست (فن رهبری مردم) سیادة (سروری) و رعایة (مراقبت از خود و دیگران، شدت حفظ و مدارا و تحمل و مهربانی با زیردستان) و شرح و توضیح آن‌ها و مسائل مرتبط به آن‌ها در قرآن و احادیث پیامبر 9 و اهل بیت: زیاد آمده است (همان، 36 - 46).

تفسیر مدیریتی قرآن با این عنوان خاص سابقه‌ای ندارد و کتابی در این خصوص با این عنوان تألیف نشده است؛ هر چند که در دهه‌های اخیر تحت عناوین دیگر به موضوع مدیریت در قرآن و سنت پرداخته شده است، از جمله اثر ارزشمند آقای صمصام الدین قوامی با عنوان «مدیریت از منظر کتاب و سنت» که اثری بسیار مفید است، و یا کتاب کم‌حجم ولی پر محتوای جناب استاد محسن قرائتی با عنوان «300 اصل در مدیریت اسلامی».

مبانی تفسیر مدیریتی

تعریف: مبانی همان پایه‌هایی است که پذیرش و باور آن‌ها مسلم انگاشته شده است و بدون پذیرش همه یا برخی از آن‌ها، رویکرد مفسر در تفسیر و شکل‌گیری روش یا گرایش و قواعد تفسیری او متفاوت می‌شود. مبانی تفسیر، همان اصول تفسیر است؛ پیش فرض‌های بنیادین است (مودب، رضا، 40).

مبانی عام تفسیر مدیریتی: منظور اصولی است که باید در تمام روش‌ها و گرایش‌های تفسیری مورد نظر قرار گیرد؛ از جمله تفسیر مدیریتی قرآن. این اصول و مبانی عبارت‌اند از: باور به اعجاز قرآن و ابعاد آن، مصونیت قرآن از تحریف، امکان و جواز دست‌یابی به مراد خداوند، زبان قرآن (که مطابق با قواعد عربی و بر اساس اصول عقلایی محاوره نازل شده است و زبان خاص غیر متعارف نیست)، منابع تفسیر و این که مفسر از چه منابعی استفاده می‌کند و کدام منبع را قبول دارد یا نمی‌پذیرد، جامعیت قرآن کریم و این که آیات آن به دوران، بعد یا مردم خاصی اختصاص ندارد، حجت بودن ظواهر قرآن، نیاز مخاطبان به تفسیر، پیوستگی آیات، نص و قرائت واحد قرآن (جهت آشنایی مفصل با این مبانی: ر.ک. به: مودب، همان).

مبانی خاص تفسیر مدیریتی: در تفسیر مدیریتی، مبانی‌ای وجود دارد که

خاص این گونه تفسیر است. از جمله مبانی خاص این حوزه تفسیری موارد زیر را می‌توان برشمرد:

الف) وجود آیات مدیریتی در قرآن: مفسر در این حوزه تفسیری نباید شکی داشته باشد در این که در قرآن اشارات یا آیات مدیریتی وجود دارد. اگر در اصل وجود این گونه آیات و اشارات تشکیک کند، نمی‌شود تفسیر مدیریتی به عمل آورد. مخفی نماند که مبانی همان پیش فرض‌هاست (مودب، 24 - 25).

ب) تفسیر برداری آیات مدیریتی قرآن: مفسر در این تفسیر باید بپذیرد که گزاره‌های مدیریتی قرآن تفسیر بردار است، یعنی نکات مدیریت قرآن به توضیح، تبیین و کشف معنای استعمالی الفاظ و آیات و در نهایت پرده برداری از مراد واقعی خداوند نیاز دارد. به عنوان مثال در آیه 55 سوره یوسف که می‌فرماید: **أَقَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ**؛ آیا انی حفیظ علیم معنادار است یا خیر؟ اگر نباشد، نمی‌توان از آن تفسیر مدیریتی ارائه کرد.

ج) یکسان نبودن یافته‌های مدیریت علمی: مفسر باید بپذیرد که مطالب علم مدیریت یکسان نیست؛ بلکه برخی از آن‌ها قطعی و برخی ظنی‌اند. همه مطالبی که در دانش مدیریت یافته می‌شود، قطعی نیستند؛ نه این که همه یافته‌ها را قطعی پنداشته یا همه یافته‌ها را ظنی بپندارد (مستفاد از: رضایی اصفهانی، مباحث تفسیر علمی و تفسیر به رأی).

قواعد تفسیر مدیریتی

تعریف: قواعد تفسیر یکی از اصول پنجگانه تفسیر است. قواعد کلی تفسیر مهم‌ترین بخش از اصول تفسیر را تشکیل می‌دهد و در هرگونه تفسیری، از جمله تفسیر مدیریتی، باید رعایت گردد. اموری که بدون شناخت و رعایت آن‌ها، تفسیر صحیح سامان نمی‌یابد، قواعد تفسیر نام دارد.

قواعد عام و کلی: قواعدی که در تمام گونه‌های تفسیر باید رعایت گردد، قواعد عام تفسیر است. قواعدی که تاکنون استقصا و تدوین شده است، عبارت‌اند از:

در نظر گرفتن قرائت صحیح قرآن، توجه به مفاهیم کلمات قرآن در زمان نزول، در نظر گرفتن قواعد ادبیات عرب، در نظر گرفتن قرائن، مبنا بودن علم و علمی، در نظر گرفتن انواع دلالت‌های کلام، احتراز از ذکر بطون برای آیات بر اساس آرای بشری و استحسان‌های ذوقی و سلیقه‌ای (ر.ک. به: بابایی، 64؛ رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، 42 - 190).

قواعد خاص تفسیر مدیریتی: برخی از قواعدی که خاص این گونه تفسیر است، عبارت‌اند از:

الف) رعایت ظاهر آیات مدیریتی: مفسر نباید تفسیرش بر خلاف ظاهر آیه باشد. اگر تفسیر مدیریتی و برداشت مدیریتی بر خلاف ظاهر باشد، باید دلیل معتبر از خود قرآن یا سنت پیامبر و معصومان یا حکم قطعی عقلی داشته باشد.

ب) تحمیل نکردن مطالب ظنی مدیریتی بر قرآن: مفسر باید متوجه باشد که چیزی را به قرآن تحمیل نکند. او قرار است از قرآن بهره ببرد؛ نه این که به قرآن بهره رساند؛ آن هم بهره احتمالی. قرار است که قرآن هدایتگر او باشد، نه او هدایتگر قرآن؛ مگر این که یقین داشته باشد فلان مطلب مدیریتی قطعی و ثابت شده است که در آن صورت می‌تواند بر اساس آن، آیه را تفسیر کند. این موضوع در قسمت مبانی نیز اشاره شد؛ اما در آن جا بحث روی اصل باور این نکته بود که یافته‌های ظنی هم وجود دارد و تمام یافته‌ها قطعی یا اطمینانی نیست، ولی در این جا منظور این است که آن یافته‌های ظنی را بر قرآن تحمیل نکند.

ج) اطمینانی بودن برداشت‌های مفسر: مفسر نباید از آیات مدیریتی قرآن،

برداشت‌های خیالی، ظنی و احتمالی داشته باشد، مگر این که قید کند و اظهار کند که این برداشت احتمالی است. در نسبت دادن یک معنا و مفهوم به خداوند باید کاملاً دقت کرد و هر برداشتی را به خداوند نسبت نداد، مثل این که کسی بگوید منظور قرآن از مترفین، مدیران مرتجع و سرمایه‌دار است، در حالی که اولاً این واژه به این معنا نیامده است و ثانیاً صرف سرمایه داشتن تخلف نیست. این یک قاعده است که برداشت‌های مدیریتی باید معقول یا مشروع باشند.

روش‌شناسی تفسیر مدیریتی

تعریف: منظور از روش تفسیر، همان چگونگی کشف معانی و مقاصد آیات قرآن است. به کار بردن روش صحیح در تفسیر، مفسر را به هدف مطلوب می‌رساند، ولی به کارگیری روش غلط او را از اهداف تفسیر دور می‌کند. (رضایی اصفهانی، 21)

روش‌های عام تفسیری: در حال حاضر روش‌های تفسیر مختلفی وجود دارد، همچون روش تفسیری قرآن به قرآن، روش تفسیری قرآن به روایت، روش تفسیری اجتهادی و عقلی، روش تفسیر علمی، روش تفسیر اشاری. در این روش‌ها ابزار و منبع تفسیر به ترتیب عبارت‌اند از: خود قرآن کریم، روایات معتبر - و شاید غیر معتبر - اجتهاد و عقل و قوانین علمی، اشارات و رموز تفسیری که از تمام این روش‌ها در جای خود استفاده کند، از یک روش کامل و جامع استفاده کرده است (جهت آشنایی بیشتر با روش کامل و جامع ر.ک. به: همان، 323).

روش‌های خاص تفسیر مدیریتی: از نظر روشی، تفسیر مدیریتی یک نوع تفسیر علمی قرآن است. در این گونه تفسیر علاوه بر این که می‌توان از روش‌های عام تفسیری بهره برد، روش خاص علمی خود را نیز دارد. روش خاص تفسیر مدیریتی را از دو منظر بررسی می‌کنیم.

الف) روش علمی مطلوب و نامطلوب

اول - روش علمی مطلوب در این جا به دو صورت است:

یک. روش استخدام مسائل علم مدیریت (مانند اخلاق مدیریت) در تفسیر قرآن، مثلاً شرح صدر مدیر و عدم واکنش سریع در برابر مخالفان خود و استخدام این نکته در تفسیر آیه شریفه $\text{أَقَالَ رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي}^*$ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي Φ ؛ (طه / 25 و 26) «موسی گفت: پروردگارا، سینه‌ام را برایم گشاده ساز و کارم را برای من آسان گردان».

دو. روش نظریه‌پردازی‌های مدیریتی از قرآن، یعنی استنباط یک نظام کلی مدیریتی از قرآن؛ مثلاً استنباط نظام برنامه ریزی طولانی مدت از آیات مربوط به هفت سال قحطی - در داستان حضرت یوسف 7 - که فرمان دادند گندم بکارند و محصول را انبار کنند تا در هفت سال قحطی مشکلی نداشته باشند. یا مانند استنباط نظام داوطلبی و معرفی افراد برای یک مسئولیت. به این معنا که نه تنها اشکال ندارد که افراد خودشان را برای پذیرش یک مسئولیت و انجام مدیریت یک مجموعه‌ای معرفی کنند، بلکه لازم است که خود را ارائه دهند و بشناسانند. این امر - نامزد شدن برای کاری - از آیه شریفه $\text{أَقَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ}$ Φ ؛ (یوسف / 55) «یوسف گفت: مرا بر خزانه های این سرزمین بگمار که من نگهبان امور و به اداره کارها دانایم» قابل استنباط است.

دوم - روش علمی نامطلوب در تفسیر مدیریتی: این روش هم به دو صورت ممکن است:

یک. به صورت استخراج همه مسائل و جزئیات علم مدیریت از قرآن: روشن است که این روش غلط است، زیرا قرآن کتاب هدایت است؛ نه کتاب علمی. پس نباید توقع داشت که تمام جزئیات علوم از آن استخراج شود. این روش سر از تفسیر به رای، و اجتهاد و استنباط شخصی و سلیقه‌ای در می‌آورد.

دو. **تحلیل نظریات بر آیات قرآن:** قبلاً اشاره کردیم که مفسر نباید هدایتگر قرآن باشد و هر چه نظریه از بیرون یافت، به قرآن بچسباند و معنای جدیدی به آیات قرآن تحمیل کند. به عکس باید مفسر از قرآن خط بگیرد و قرآن هدایتگر او باشد. تحمیل نظریه به قرآن بدون داشتن دلیل قطعی و معتبر، تفسیر به رای و سلیقه است (رضایی اصفهانی، همان، بحث تفسیر به رأی؛ مودب، سید رضا، ص 244 - 247).

ب) روش تدوین ترتیبی و روش تدوین موضوعی

تفسیر مدیریتی می‌تواند به صورت ترتیبی یا موضوعی باشد. تفسیر ترتیبی هم می‌تواند به ترتیب نزول آیات یا مصحف کنونی باشد، البته به ترتیب نزول آیات خیلی بهتر است.

تفسیر موضوعی مدیریتی نیز به سه شیوه می‌تواند صورت بگیرد .

یک. درون قرآنی: مثلاً «سازماندهی در قرآن» به عنوان یک موضوع انتخاب شود و ببینیم که چه آیاتی پیرامون این موضوع در قرآن وجود دارد و قرآن در این خصوص چه می‌گوید. این شیوه سنتی است.

دو. برون قرآنی: یعنی موضوع را از بیرون می‌گیریم و آن را به قرآن عرضی می‌کنیم و نظر موافق و مخالف قرآن را در می‌آوریم و استنباط می‌کنیم که آیات قرآن موافق آن موضوع است یا مخالف. این شیوه مرحوم صدر است.

سه. تطبیقی: یک موضوع را انتخاب می‌کنیم و نظر قرآن و علم مدیریت را درباره آن در آوریم، مقایسه کنیم و به یک نتیجه برسیم. این شیوه گاهی به تولید علم منجر می‌شود.

از مجموع بحث روش‌های خاص تفسیر مدیریتی معلوم شد که هفت روش در این گونه تفسیری قابل قبول است که عبارت‌اند از:

1. استخدام مسائل علم مدیریت در قرآن.
2. نظریه پردازی‌های علمی مدیریتی از قرآن
3. روش ترتیبی به ترتیب نزول آیات.
4. روش ترتیبی به ترتیب مصحف.
5. روش موضوعی به شیوه درون قرآنی
6. روش موضوعی به شیوه برون قرآنی.
7. روش موضوعی به شیوه تطبیقی.

همچنین دو روش را قبول نکردیم الف) استخراج جزئیات علم مدیریت از قرآن. ب) تحمیل نظریات بر قرآن (مستفاد از: رضایی اصفهانی، همان، مباحث تفسیر علمی، تفسیر به رأی و تفسیر موضوعی).

آسیب‌شناسی تفسیر مدیریتی

در حوزه خاص مدیریت آسیب‌های تفسیر عبارت‌اند از:

یک. مفسر شرایط لازم را نداشته باشد، یعنی در بحث بدون داشتن تخصص در علم تفسیر و علم مدیریت نظر بدهد و بگوید که مراد از این یا آن آیه چیست. شرایطی که مفسر باید داشته باشد، عبارت‌اند از: آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی از شان نزول آیات، اطلاع از ناسخ و منسوخ و علوم قرآن، اطلاع از علم فقه، احادیث، اصول فقه، قرائت‌های مختلف، اصول دین و ... (رضایی، اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، 53).

دو. از روش صحیح در تفسیر قرآن پیروی نکنند، زیرا برخی روش‌ها نادرست و حتی موجب انحراف در تفسیر است، مانند تفسیر به رأی (همان، 54).

سه. تفسیر با سنت قطعی منافات داشته باشد، یعنی برداشتی که از آیه کرده، مخالف بیان پیامبر و ائمه باشد. این برداشت غلط است و این روش آسیبی برای

تفسیر صحیح است، زیرا پیامبر و امامان مبین قرآن کریم هستند و مخالفت با بیان ایشان، مخالفت با خود قرآن است (همان، 54).

چهار. تفسیر بر اساس پیش فرض‌های غیر ضروری باشد، یعنی بر اساس افکار و عقاید شخصی و تمایلات خود مفسر. در واقع وی تمایلات و عقاید شخصی خود را بر کلام الهی تحمیل کند. این عمل شرعاً حرام است (همان، 57).

پنج. تفسیر آیه مخالف با آیات دیگر قرآن باشد. منظور ما مخالفت تبیینی (مخالفت از نوع تناقض یا تضاد) است که قابل جمع عرفی نباشد؛ نه مخالفت ظاهری که قابل جمع عرفی است، مانند عام و خاص و مطلق و مقید (همان، 57 و 58).

شش. تفسیر آیه مخالف حکم قطعی عقل باشد، یعنی مفسر حکم قطعی عقل را در تفسیر نادیده بگیرد و بر خلاف آن اظهار نظر کند (همان، 58).

هفت. تفسیر بر اساس منابع صحیح نباشد، یعنی تفسیر بر اساس دلیلی عقلی یا نقلی معتبر و یا آیات محکم خود قرآن نباشد و بدون مراجعه به منابع معتبر انجام بگیرد. این نیز تفسیر به رأی و مضموم است (همان، 60).

مثال: اطاعت پذیری و رعایت سلسله مراتب اداری در مدیریت و سازمان امری لازم و ضروری است، اما عقل در این جا قیود و شرایطی را لازم می‌داند، از جمله این که مدیری که اطاعت او لازم است، باید عاقل باشد و دیگر شرایط مدیریت از جمله تدبیر و قدرت علمی و عملی را داشته باشد. حال اگر کسی به استناد اطلاق آیه اطاعت، بگوید که اطاعت از هر امیری لازم است؛ و هر چند بی‌کفایت و بی‌تدبیر، خلاف حکم عقل است - گذشته از مخالفت این برداشت با آیات دیگر و روایات قطعی - زیرا بدون در نظر گرفتن حکم قطعی عقل صورت گرفته است. به حکم عقل امیران نالایق، بی‌خرد و ناآشنا خارج می‌شوند؛ به علاوه این برداشت با سیاق آیه هم نمی‌سازد.

6. موضوعات و نمونه‌ها

موضوعات مدیریتی در قرآن: در قرآن کریم اشاره‌های زیادی به موضوعات

مختلف مدیریتی شده است و استفاده‌های مدیریتی فراوانی می‌توان از آن برد.

موضوعاتی نظیر لیاقت و کاردانی و ملاک ارتقاء (بقره/ 34)، نابود نکردن

منابع (بقره/ 71) پیگیری کارها (بقره/ 87)، تشویق و تنبیه (بقره/ 160 - 159)

تفویض مسئولیت و توانائی (بقره/ 232)، علم و توانائی و شفاف‌سازی به عنوان

شرایط مدیر (بقره/ 247) ارزیابی عملکرد به عنوان وظیفه مدیر (بقره/ 249)،

توجه به کارکنان (آل عمران/ 20)، مدیریت بحران (آل عمران/ 153) آگاهی از

گذشته (آل عمران/ 48)، نظارت و اقتدار (آل عمران/ 104) و ...

برخی از مفسران معاصر حداقل سیصد نکته مدیریتی از قرآن استخراج

کرده‌اند (ر.ک. به: قرائتی، محسن؛ اسلامی، احمد، مدیریت اسلامی).

در منابع کامل‌تر سخن از موضوعاتی همچون تعریف مدیریت، ضرورت و

اهمیت مدیریت، اهداف کلی مدیریت، مبانی فلسفی مدیریت، نقش تربیتی مدیر،

امانت بودن مدیریت، الگوهای مدیریت در قرآن، آفات مدیریت، برنامه‌ریزی،

تصمیم‌گیری، اجرا، گزینش و معیارها سازماندهی و تقسیم کار، انگیزش، نظارت

و پیگیری و اهمیت آن، انواع نظارت، نظارت مردمی، مردمی بودن مدیر (مردم

دوستی)، مردم‌گرایی و توجه به مردم و... به میان آمده است (ر.ک. به:

عباسی‌نژاد، محسن، راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (1) - قرآن، مدیریت

و علوم سیاسی، برای نمونه برخی از موضوعات و آیات آن‌ها را ذکر می‌کنیم).

انتخاب هدف و برنامه‌ریزی: 25 حدید، 74 فرقان، 191 تا 194 آل عمران،

56 ذاریات.

سازماندهی: 59 تا 65 انفال و 157 اعراف.

کنترل و نظارت: 14 فجر، 2 و 3 عنکبوت، 16 تا 19 ق.

ساختار نظام‌های طبیعی، وجود قانونمندی، نظم و ترتیب: 3 تا 5 ملک، 37 تا 40 یس، 5 تا 12 الرحمن و 6 تا 16 نبأ.

ارزش‌یابی، تشویق و تنبیه: آیات 1 تا 57 از سوره واقعه و 18 تا 26 از سوره نبأ (ر.ک. به: چینی فروش، غلامرضا، نگرشی تحلیلی بر مبانی مدیریت اسلامی، 21 - 22 و 25 - 26 و نیز ر.ک. به: رئیس‌السادات، سید حسین، مبانی مدیریت اسلامی، 68).

نمونه‌ها: در این جا نمونه‌هایی از برداشت‌های مدیریتی از آیات قرآن کریم را بیان می‌کنیم.

یک. در واگذاری مسئولیت‌ها باید میان ویژگی‌های فرد و مسئولیت مورد نظر تناسب وجود داشته باشد.

﴿قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ﴾ (يوسف / 55) «... من نگهدارنده و آگاهم».

دو. شرح صدر یکی از صفات لازم مدیریت است .

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي﴾، (طه / 25). ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ (انشراح / 1).

در آیه اول موسی 7 برای رفتن نزد فرعون و انجام چنین ماموریتی از خداوند شرح صدر می‌خواهد. در آیه دوم خداوند خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید: آیا سینه‌ات را نگشودم؟ به تو شرح صدر ندادم؟ روایت نیز این برداشت (لزوم شرح صدر برای مدیر) را تأیید می‌کند؛ آن جا که امام علی 7 می‌فرماید: «آلة الرئاسة سعة الصدر»؛ (نهج البلاغه، ح 176).

سه. مدیر باید اصل محبت به زیردستان را در نظر بگیرد.

وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمُؤْمِنِينَ ﴿۸۸﴾ (حجر / 88). «بال (عطوفت و فروتنی) خود را برای مؤمنان فرو آر».

نتیجه

مدیریت اسلامی داریم و انکار آن انکار مسلمات است. این مدیریت با برخی مطالب مدیریت علمی مخالف است و برخی از آن‌ها را تأیید و برخی نکات را اضافه می‌کند؛ نظیر انگیزه الهی داشتن در مدیریت. تفسیر مدیریتی قرآن امکان‌پذیر، جایز و لازم است. تفسیر مدیریتی قرآن اصلی‌ترین کار برای تبیین مدیریت اسلامی است، لذا ابتدا باید به سراغ قرآن رفت. مسلمانان از ابتدای ظهور اسلام بحث مدیریت را داشته‌اند؛ از مدیریت پنهانی گرفته تا علنی و عمومی. معنا ندارد که خداوند به زندگی بشر توجه داشته باشد، ولی کیفیت اداره آن را وانهد. در اسلام بیان کیفیت آن در قرآن، سنت نبوی و سنت اهل بیت آمده است. تفسیر مدیریتی قرآن به چندگونه صورت می‌گیرد؛ روش علمی، گرایش تفسیری، روش تربیتی، روش موضوعی و... همچنین گاهی رجوع به آیات به منظور توضیح مدیریتی آیات است، گاهی برای بررسی نکات مدیریتی در آیات و زمانی با نگاه مدیریتی به آیات قرآن. تفسیر مدیریتی همچون سایر تفاسیر، شرایط، قواعد، روش‌ها، مبانی و آسیب‌های خود را دارد که فراگیری آن لازم است. از جمله شرایط تفسیر مدیریتی آشنایی با دو حوزه قرآنی و مدیریتی است. از آن‌جا که تفسیر مدیریتی یک نوع تفسیر علمی است، باید روش‌های قابل

قبول در تفسیر علمی در آن به کار رود، یعنی استخدام مسائل علم مدیریت و نظریه‌پردازی‌های علمی یا استخراج برخی مسائل علم مدیریت از آیات قرآن؛ اما استخراج جزئیات علم مدیریت از قرآن یا تحمیل نظریات خود بر آیات قرآن صحیح نیست.

اگر مسئله‌ای مدیریتی را به قرآن عرضه کردیم و پاسخی نیافتیم، به تاویل، توجیه و پاسخ تراشی نمی‌پردازیم؛ بلکه پرچم تسلیم را بلند می‌کنیم و به سراغ منابع دیگر می‌رویم.

منابع

1. اسلامی، احمد، مدیریت اسلامی، اصفهان، جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، 1366، ج اول.
2. بابایی، علی اکبر، (و دیگران)، روش شناسی تفسیر قرآن، انتشارات سمت، تهران، ج دوم.
3. باقر الموسوی، محسن، مدیریت و نظام اداری از دیدگاه اما علی 7، ترجمه سید حسین سیدی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1386، ج چهارم.
4. تقوی راد، محمد علی، لغزشگاه های مدیریت از دیدگاه اسلام، تهران، انتشارات مسعی (سعادت آباد)، تهران، 1383.
5. جمعی از نویسندگان، تفسیر موضوعی قرآن کریم، قم، نشر معارف، 1384، ج اول.
6. چینی فروش، غلامرضا، نگرشی تحلیلی بر مبانی مدیریت اسلامی، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، 1384.
7. حسینی بهشتی، محمد، مدیریت در اسلام، انتشارات قیام، قم، 1383.
8. رئیس السادات، سید حسین، مبانی مدیریت اسلامی، انتشارات ماهوان، مشهد.
9. رجیبی، محمود روش تفسیر قرآن، موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، 1383، ج اول.
10. رضایی اصفهانی، محمد علی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، 1383، ج دوم.
11. رضایی اصفهانی، محمد علی، منطق تفسیر قرآن (2)، روش ها و گرایش های تفسیری قرآن، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، قم، 1387، ج سوم.
12. سوزان سی. اشناپدر و زان لوئی بارس، مدیریت در پهنه فرهنگ ها، ترجمه: دکتر سید محمد اعرابی و داود ایزدی، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی، تهران، 1382، ج دوم.
13. عباسی نژاد، محسن، (و همکاران)، راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز (1)، قرآن، مدیریت و علوم سیاسی، تهران، بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه، تهران، 1384، ج اول.
14. علیزاده، محمد جواد، قرآن و مدیریت راستین، انتشارات رستگار، مشهد، 1382.
15. عناقه، عبدالرحیم، درآمدی بر مدیریت اسلامی، انتشارات غزل، اصفهان.
16. قرائتی، محسن، 300 اصل در مدیریت اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، 1386، ج سوم.

17. قوامی، صمصام الدین، مدیریت از منظر کتاب و سنت، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، 1383.
18. لاهوتی اشکوری، محمدرضا، انتشارات ملکان، تهران، 1388، ج اول.
19. لودین، شهین، اصول مدیریت از دیدگاه قرآن و احادیث، مشهد، دانشگاه فردوسی، نشر واسع، مشهد.
20. مشبکی، اصغر، انتشارات ترمه، تهران، 1377، ج اول.
21. مصباح یزدی، محمد تقی، مشکات 6/2، پیش نیاز های مدیریت اسلامی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی؛ قم، 1384، ج اول.
22. مودب، سیدرضا، مبانی تفسیر قرآن، انتشارات دانشگاه قم، 1386، ج اول.
23. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، (نشر موسسه بوستان کتاب)، قم، 1382، ج هفتم.